حمید سبزواری (شاعر) | امیر حسین فردی (نویسنده) | ابوالفضل عالی (کرافیست) | حسن شایانفر (محقق) | شهید رسول کاظم‌نژاد (عکاس) | شهید احمد زارعی (شاعر) | مهرداد اوستا (شاعر) | حسن روح‌الامین (نقاش) | سیاوش‌شجاعی طباطبایی (کاریکاتوریست) | حبیب‌الله معلمی (شاعر) | علیرضا قزوه (شاعر) | محمد علی گودینی (نویسنده) | علی‌محمد مؤدب (شاعر) | محمد مهدی سیار (شاعر) | سیمین‌دخت وحیدی (شاعر) | امیر حسین صلواتیان (تصویرگر)

گفت‌وگو با کمال شرف؛ کاریکاتوریست انقلابی یمن

هدفم پیوند ناب هنر و مقاومت است

محمد محمدی

«کمال شرف» یکی از مطرح‌ترین هنرمندان جهان عرب محسوب می‌شود؛ کاریکاتورهای او مثل یک رسانه قدرتمند و در قالب پاسخ سریع، به‌واکنش و تبیین مسائل روز منطقه و جبهه مقاومت و مخالفان آن می‌پردازد. این کاریکاتوریست ۴۹ساله یمنی به مناسبت مراسم تجلیل از وی در جشنواره عمار و برپایی نمایشگاهی از آثارش در حوزه هنری، به تهران سفر کرد. او برنامه های متراکمی در این سفر داشت و فرصت گفت‌وگوی تفصیلی با وی برای ما فراهم نشد، اما در خلال این برنامه ها، برای دقایقی کوتاه پاسخگوی پرسش‌های ما بود.

چرا اغلب هنرمندان در جهان عرب با پروژه مقاومت همراه نیستند و چه چیزهایی باعث شد تا شما با مقاومت همراه شوید؟

عدم ارتباط بسیاری از نقاشان عرب با پروژه مقاومت ناشی از پمپاژ رسانه‌ها و پروژه‌های آمریکایی است که به منطقه وارد می‌شود. این پروژه‌ها برای هنرمندان جذابیت بیشتری دارند، چرا که امکانات و حمایت‌های فراوانی پشت آن‌ها وجود دارد. همچنین، رژیم‌های عربی نیز از این پروژه‌ها پشتیبانی می‌کنند و این امر باعث می‌شود که هنرمندان به سمت آن‌ها جذب شوند. در حالی که پروژه مقاومت، به دلیل محدودیت‌های موجود، کمتر از چنین امکاناتی برخوردار است. من از ابتدا به‌دنبال کشف ابعاد جدید هنر برای حمایت از مقاومت و مبارزه بودم. در این مسیر، تصمیم گرفتم که از کاریکاتور به‌عنوان یک ابزار تاثیرگذار استفاده کنم، چرا که این هنر می‌تواند پیام‌های مقاومت را به‌طور مؤثر به مردم منتقل کند.

یکی از روزنامه‌نگاران، کاریکاتورهای شما را از نظر سرعت و دقت با موشک نقطه‌زن و از نظر زیبایی و برندگی با خنجر یمنی مقایسه کرده است. نظر شما درباره این مقایسه چیست و خودتان کاریکاتورهای‌تان را با چه وسیله‌ای مقایسه می‌کنید؟

این مقایسه برای من بسیار دقیق و به‌جا است. کاریکاتورهای من از همان ابتدا با روحیه جهادی و مبارزاتی طراحی شده‌اند. یمن و روحیه شجاعانه یمنی در آثار من نقش اساسی دارند. این روحیه شجاعانه باعث می‌شود که کاریکاتورهایم هم از نظر دقت و هم از نظر تاثیرگذاری شبیه به موشک‌های نقطه‌زن عمل کنند، زیرا هدفمند و دقیق هستند. همچنین، همانطور که در مبارزات جبهه مقاومت از خنجر یمنی به‌عنوان نماد برندگی و قدرت یاد می‌شود، کاریکاتورهای من نیز با همان برندگی و زیبایی طراحی شده‌اند. بنابراین، تشبیه‌های مطرح‌شده به‌ویژه از سوی رسانه‌ها کاملاً دقیق و مناسب به نظر می‌رسد.

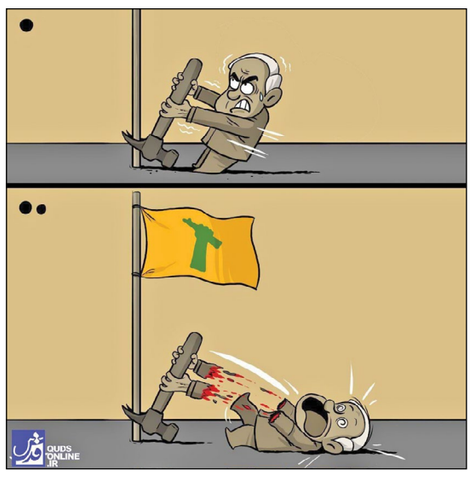

رسانه‌های جبهه مقاومت برای موفقیت و تأثیرگذاری بیشتر باید به چه مواردی دقت کنند؟

رسانه‌های جبهه مقاومت باید با ایده‌های نوین و متفاوت کار کنند. در دنیای امروز، استفاده از رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال نظیر یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی اهمیت بسیاری دارد. رسانه‌ها باید بتوانند از این ابزارهای جدید به‌طور موثر استفاده کنند تا بتوانند پیامی تاثیرگذار به مخاطبان منتقل کنند. به‌ویژه برای افرادی که ممکن است از جزییات مقاومت و مبارزات بی‌خبر باشند، استفاده از زبان هنر و قالب‌های تعاملی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. رسانه‌ها باید با نگاهی جدید به تولید محتوای هنری، به عمق مخاطبان خود دست یابند و پیام‌های مقاومتی را به گونه‌ای منتقل کنند که تأثیر عمیق‌تری داشته باشد.

کدام کاریکاتوریست‌ها و به‌طور کلی هنرمندان ایرانی را می‌شناسید و نظر شما درباره آثار ایشان چیست؟

در زمینه هنر کاریکاتور، ایران از پیشرفت‌های بسیار خوبی برخوردار است. من شخصاً آقای مسعود شجاعی طباطبایی را می‌شناسم و همیشه کارهای ایشان را دنبال کرده‌ام. ایشان یکی از کاریکاتوریست‌های برجسته ایران است که آثارش همواره نشان‌دهنده عمق و قدرت هنری است. اولین بار که با ایشان از طریق شبکه‌های اجتماعی ارتباط برقرار کردم، متوجه شدم که ایشان هم همان روحیه جهادی و والا را در آثارش به‌نمایش می‌گذارد. ایشان اولین فردی بود که از طریق این شبکه‌ها با من تماس گرفت و این ارتباط نشان‌دهنده روحیه جسورانه‌ای است که در هنرمندان جهادی و مقاوم دیده می‌شود. به طور کلی، هنرمندان ایرانی در عرصه کاریکاتور و هنر، سهم عمده‌ای در مبارزه فرهنگی و مقاومت دارند.

درباره هویت و ماهیت هنر انقلاب

تلاقی آرمان، معنا و واقعیت

مهدی امیدی

بهمن، علاوه بر اینکه ماه پیروزی انقلاب است، فصل برگزاری جشنواره‌های فجر هم هست. جشنواره‌های هنرهای تجسمی، فیلم، تئاتر، موسیقی و در نهایت شعر فجر که گرما بخش فضای فرهنگی کشور در روزهای سرد زمستانی می‌شوند. با این حال، هر کدام از این جشنواره‌ها، محل بروز و ظهور سیاست‌ها و تولیدات هنری کشور در یک رشته خاص هستند و سال‌هاست که «هنر انقلابی» محور و مقصود اصلی آن‌ها نیست. اشتباهی که در این جشنواره‌ها و به طور کلی در مدیریت فرهنگی کشور رخ می‌دهد این است که هنر انقلابی را صرفا هنری می‌پندارند که به وقایع و عواقب سال ۵۷ متمرکز باشد. این درحالی است که انقلاب اسلامی مفهومی بی‌کرانه است. بنابراین، هنر انقلابی نیز محدوده خاصی ندارد. هر ژانر و موضوعی می‌تواند در دایره هنر انقلابی بگنجد، حتی یک أثر عاشقانه و با محور عشق زمینی.

با این حال، شاخصه‌هایی را می‌توان فرض کرد که پرداختن به آن‌ها، فضا و حال و هوائی انقلابی به یک أثر هنری می‌بخشد.

به طور مثال، هنر انقلابی مسئله محور است. یعنی چنین آثاری، مشغول به ابتلائات و مسائل فردی و اجتماعی هستند. تفاوت توجه این نوع هنر با فعالیت شبه روشنفکرانه در رویکرد به معضلات و کاستی‌های اجتماعی و فردی این است که هنر شبه روشنفکری در پی نفی همه چیز است، اما هنر انقلابی با هدف ساخت جامعه آرمانی به مصائب، نقب می‌زند و نقد می‌کند.

هنر انقلابی، می‌تواند عارفانه باشد اما معنویت جاری در چنین آثاری، به تبعیت از روح عدالت خواه اسلام و تشیع، الزاما با حوادث اجتماعی و سیاسی، درگیر می‌شود. به بیانی دیگر، عرفان در هنر انقلابی، در پی رستگاری و نجات جمعی و بلکه کل جامعه بشری است.

هنر انقلابی، خنثی و بیطرف نیست و با منافع راهزنان سیاسی و اقتصادی مبارزه می‌کند. هنر انقلابی هم دغدغه حمایت از محرومان و مستضعفان را دارد و هم اینکه معاندان و مخالفان نظام و حکومت دینی و جبهه حق را می‌تاراند و به تشویش دچار می‌سازد.

در هنر انقلابی، جذابیت‌های غریزی و ظاهری پاک می‌شود و به جایش فطرت، مخاطب قرار می‌گیرد. بر این اساس، هنر انقلابی، گرچه از عقاید و باورهای اسلامی الهام می‌گیرد اما باید زبانی عامه فهم و جهانشمول داشته باشد. به این معنی که در عین برخورداری از هویت و شخصیتی خاص، همه انسان‌ها را مخاطب قرار می‌دهد. این به ذات انقلاب ما هم بر می‌گردد. این انقلاب با اینکه با عنوان «اسلامی» شناخته می‌شود اما در سرتاسر جهان، حامیانی از مذاهب، ادیان و فرهنگ‌های گوناگون دارد. هنر انقلابی نیز محتوایی بومی دارد، اما فرم و ساختارش جهانی و بین‌المللی است.

در هنر انقلابی، فقرا و محرومان می‌درخشند؛ برخلاف هنر شبه روشنفکری که از مستضعف‌ها استفاده ابزاری می‌کند، در هنر متعلق به انقلاب اسلامی، محرومان دارای کرامت وبزرگی هستند.

هنر انقلابی، نه رئالیست مفرط است و نه ایده آلیست مطلق، بلکه در این نوع هنر، واقعیات و آرمان‌ها به صورتی توأمان متجلی می‌شوند. در این گفتمان، هنرمند مقهور واقعیات نمی‌شود و در عین حال نگاهی آرمان گرایانه به واقعیات دارد.

بهترین و کارآمدترین نرم‌افزاری که قابلیت تحقق هنر تراز انقلاب اسلامی را دارد، پیام تاریخی و تاریخ ساز امام خمینی(ره) خطاب به هنرمندان است. بیانیه‌ای که می‌توان آن را مانیفست فعالیت هنری در جمهوری اسلامی ایران دانست. راه روشنی که محدود به زمان و مکان خاصی نیست و در هر موقعیتی، مسیر هنرمندان را به هدف کوتاه‌تر می‌کند. متنی که خودش یک اثر هنری محسوب می‌شود و بهترین الگو و راه برای رسیدن به هنر و سینمای مطلوب یک جامعه انقلابی و اسلامی است. به همین دلیل نیز شهید آوینی به عنوان شاگرد اول مکتب هنری امام خمینی(ره) این پیام کوتاه و گویا را منشور تجدید عهد هنر نامید.

با بازخوانی این متن، می توان نگاه آینده نگر امام درباره شرایط جدید اجتماعی پس از جنگ در ایران و وظیفه هنر در قبال این شرایط را دید. چه این که پس از اتمام جنگ تحمیلی- که مدتی پس از آن نیز داغ بی تسلای رحلت امام بر ایران سایه افکند- تهاجم دشمن از عرصه سخت و نظامی به حوزه نرم و فرهنگی تغییر یافت. اما به جز عرصه تقابل خارجی، جبهه دیگری نیز در داخل پیش روی مردم گشوده شد؛ امام خمینی(ره)از این جبهه نوین داخلی به عنوان جنگ فقر و غنا یاد کردند. همچنانکه در پیام قطعنامه و به مناسبت پایان جنگ فرمودند: «امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی درد شروع شده است...» و پیام امام به هنرمندان نیز در راستای مقابله با شبیخون فرهنگی غرب و جنگ فقر و غنا در داخل بود. به طوری که در بخشی از این مانیفست تصریح شده است: «هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه داری مدرن و کمونیسم خون آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی درد و در یک کلمه اسلام آمریکایی باشد.»

امروز اگرچه امام در میان ما نیست، اما نایب بر حق او هست. اندیشه‌های رهبر انقلاب هم در این زمینه، در راستای آرای امام است. معظم‌له هم در زمینه هنر دینی -به عنوان زمینه و زیربنای هنر طراز انقلاب اسلامی- معتقد هستند: «هنر دینی به هیچ وجه به معنای قشری گری و تظاهر ریاکارانه دینی نیست. این هنر لزوماً با واژگان دینی به وجود نمی‌آید. ای بسا هنری صد درصد دینی باشد، اما در آن از واژگان عرفی و دینی استفاده نشده باشد... هنر دینی «عدالت» را در جامعه به صورت یک ارزش معرفی می کند. ولو شما هیچ اسمی از دین و هیچ آیه ای از قرآن و هیچ حدیثی در باب عدالت در خلال هنرتان نیاورید... شما می توانید در باب «عدالت» رساترین سخن را در هنر بیاورید. در این صورت به هنر دینی توجه کرده‌اید.»

کتابی که پس از حمله به بیمارستان المعمدانی غزه متولد شد

کتاب «خاکستر گنجشک‌ها»، اثر حامد عسکری که برگزیده جایزه جهانی فلسطین شد، نماینده‌ای از صدای مظلومیت و ایستادگی مردم فلسطین در عرصه جهانی است.

در دومین دورهٔ جایزهٔ جهانی فلسطین رتبه دوم بخش داستان کوتاه به کتاب «خاکستر گنجشک‌ها» نوشتهٔ حامد عسکری رسید. این اثر، روایتگر فاجعه‌ای انسانی از دل غزه است؛ جایی که بمباران‌ها و شهادت کودکان، در قالب ۴۴ نامه به تصویر کشیده شده‌اند.

حامد عسکری با نثری شاعرانه و دردآلود، از پروازهای ناتمام و خاکستری که بر دل‌های سوخته به جا مانده است، می‌نویسد. این کتاب فریادی است علیه ظلمی آشکار که همزمان با بیان رنج، شعله‌ای از مقاومت و اعتراض را روشن می‌کند.

«خاکستر گنجشک‌ها» در کنار سایر آثار نامزد این دوره، نماینده‌ای از صدای مظلومیت و ایستادگی مردم فلسطین در عرصه جهانی است. این اثر که به تازگی به زبان عربی نیز ترجمه شد و با نام «رمادی العصافیر» در نمایشگاه کتاب بغداد حضور پیدا کرد و توانست نظر مخاطبان عرب‌زبان را نیز به خود جلب کند.

عسکری در ابتدای این اثر هدف از نگارش این کتاب را این‌طور بیان می‌کند: «بی‌مقدمه برای تاریخ: سال دو هزار و بیست و سه است، می‌شود هزار و چهارصد و دو هجری شمسی. من آن شب سر ضبط برنامه‌ای بودم. گفت‌وگو داشت خوب پیش می‌رفت. یکهو کارگردان کات داد و بعد نشست و چشم‌هایش خیس شد. گفتم: «چیه علیرضا؟ خوب بودیم که!» با اشک گفت: «به اهالی غزه گفتن برید بیمارستان، می‌خوایم یه جاهایی رو بزنیم. مردم که رفتن توی بیمارستان، بیمارستان‌و زدن. تا الان ششصد و پنجاه نفر... زانوهایم می‌لرزید. باورم نمی‌شد. حرامزادگی تا این حد؟! سرتاپا خشم و دندان‌قروچه بودم. همه تصویرهایم از این غصب ۷۰ ساله در ذهنم مرور شد.

من عاشق فلسطین و مردمش بودم و هستم و این خبر پتکی بود بر سرم. دو سه تا سفر داشتم، لغو کردم و نشستم به نوشتن. وقت نداشتم. همیشه دیر است. این‌هایی که می‌خوانید را در همین ایام نوشته‌ام، همین ایامی که پشته‌پشته کشته از فلسطین خاکستر می‌شود و جفتگیری قورباغه‌ها در پاییز، برای یورونیوز ارزش خبری بالاتری دارد تا تیتر یک و عکس یک شدن، تا کشته شدن هفت هزار انسان که دوهزارتایشان کودک بوده‌اند. می‌فهمید؟ کودک!

امروز که دارم این مقدمه را می‌نویسم، روز بیست‌ودوم جنگ است. غزه دریای خون است، ولی الآن که این کتاب را به‌دست گرفته‌اید، ممکن است کشوری به نام اسرائیل وجود نداشته باشد. راستش ما تا زنده بودیم، کشور نمی‌دانستیمش، ولی در زمان و جهان شما نمی‌دانم. ما همه زورمان را زدیم و هرجور می‌توانستیم، از فلسطین حمایت کردیم. شاید شما یادتان نیاید، ولی ما حتی روز قدس هم داشتیم و آخرین جمعه ماه رمضان را با زبان روزه بیرون می‌آمدیم و در گرما و سرما مرگ بر اسرائیل می‌گفتیم.

من این کتاب را نوشتم، با همه وجود و اعتقادم هم نوشتم. این‌هایی که می‌خوانید، نه داستانند با تعریف علمی و آکادمیک جهان که با عینک نقد داستان نگاهشان کنید، نه ناداستان، نه روایتند، نه گزارش. من با کلمه عکاسی کرده‌ام، هر عکس و فیلمی که این روزها دیده‌اید، یک فریم قبل یا بعدش را نوشته‌ام.

این روزها به چشم‌های حضرت موسی فکر می‌کنم که خیس است و خون از دست قومش. به قبر مخفی و پنهانش در صحرای سینا می‌اندیشم که شن‌پوش ریگ‌های بیابان است و به این فکر می‌کنم که این تفکر کودک‌کش اگر واقعاً پیرو موسی بود که این‌همه سال قبرش این حال و روز را نداشت! دلم می‌گوید موسی از محمد(ع) شرمسار است که قوم جعلی‌اش دارند با قوم محمد آن می‌کنند که می‌بینیم و می‌شنویم. موسی از محمد که چه عرض کنم، انسان از انسانیت شرمسار است، چه رسد به آن وجودهای مبارک و آسمانی!

من این صفحات را نوشتم که اگر فردای قیامت با بچه‌های پرپر غزه چشم‌درچشم شدم، رویم بشود به چشم‌هایشان زل بزنم و بگویم من شما را نوشتم، شما را داد زدم و... شما را دوست داشتم.

خدایا، به حق خون به‌ناحق‌ریخته بچه‌های فلسطینی، آن‌قدر به من عمر بده که آزادی فلسطین را ببینم و دو رکعت نماز در مسجدالاقصی بخوانم و بعدش اگر مُردم هم مُردم. خدایا، تو می‌دانی از تمام وجودم می‌گویم من عاشق فلسطین مظلومم.»

تقدیم به وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی

برای وفاق ملی

احمد ناطقی (هنرمند عکاس)

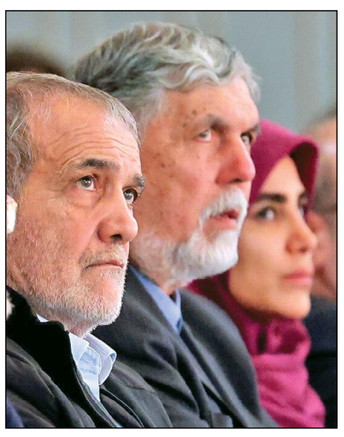

گاهی بعضی از کلمات دنیائی از معانی را به ذهن متبادر می‌کنند و بی‌شمار تعابیر و تفاسیر پیش روی ما نقش می‌بندد، قرآن مجید نیز به محکمات بدون نیاز به تفسیر و کارشناس، و متشابهاتی که نیازمند مفسر و متخصص است اشاره دارد.

از وقتی وفاق ملی گوش ما و رسانه را کر کرده ما نمی‌دانیم به وفاق ملی از کدام منظر نگاه کنیم؟ از منظر قرآنی واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا که باید در مسیر حبل الله دست دوستی به سوی تمام کسانی که دست و دلشان برای کشور عزیز ایران می‌تپد دراز کنیم و یا برخلاف این آیه از قرآن یا أیها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی وعدوکم با دشمنان قسم خورده ایران به اصطلاح وفاق ملی را رقم بزنیم؟

آقای رئیس جمهور، آقای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی! آیا فرصت کرده‌اید رفتار و عملکرد نادر خانم نادره رضائی، معاون هنری دستگاه فرهنگی دولت را رصد کنید؟ آقای صالحی، در حالی از حرکت بر مدار قانون و پرهیز از حاشیه صحبت می‌کنید که انگارخبرندارید نزد معاون هنری وزاتخانه شما اصل، حاشیه است.

وفاق ملی از منظر شما و معاون هنری شما به چه معناست؟ انتصاب اغتشاشگران و ناقضان قانون در پست‌های قانونی همین کشور؟ کامبیز نوروزی را می‌شناسید؟ شاید خانم رضایی او را در زندان ملاقات کرده باشد، همانی که در اغتشاشات بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ به جرم تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت ملی و اخلال در نظم عمومی بازداشت و به دو سال حبس زندان و شلاق محکوم شده بود،شاید معاون شما شاهد شلاق خوردن وی نیز بوده که امروز برای دلجویی و وفاق ملی او را به عضویت کارگروه حقوقی معاونت هنری منتصب کرده است.

خانم آرزو زرگر را در جریان اغتشاشات سال ۱۴۰۱ به خاطر می‌آورید؟ همان فردی که مدام درفضای مجازی علیه امنیت ملی می‌تاخت و برآتش اغتشاش دامن می‌زد؟ همانی که تصاویر صفحات مجازی او با ارزش‌های اخلاقی و باورهای دینی جامعه ایران اسلامی تناسبی ندارد؟ او در حالی که براساس نظرات کارشناسان مورد اشاره آقای رئیس جمهور، در حوزه سرامیک جایگاه برجسته ای ندارد امروز دبیر آموزش دوازدهمین دوسالانه ملی سرامیک ایران است.

از عضویت مهدی کوهیان یکی از حامیان اغتشاشات سال ۱۴۰۱ در کارگروه معاونت هنری چطور؟ اطلاع دارید؟

آقای وزیر! واقعا منظور شما از حرکت بر مدار قانون و پرهیز از حاشیه کدام است؟ انتصاب ناقضان قانون، هنجارشکنان و معاندان نظام جمهوری اسلامی ایران در پست‌های حساس فرهنگی؟ حمایت و تایید دشمنان قسم خورده ایران و براندازان؟ انتشار عکس دختر بی‌حجاب مدیر سابق روابط عمومی این معاونت در فضای مجازی؟ قانون شکنی و حضور بی‌حجابان در مراسم افتتاحیه دوسالانه سرامیک ایران؟ تایید اجرای غیرقانونی خواننده بی‌حجاب؟ ارتباط معاون هنری با افراد منصوب به جریان‌های هنری تحت حمایت ساواک و فرح پهلوی؟

مولای متقیان در نهج‌البلاغه می‌فرمایند:

«أصدقاؤک ثلاثةٌ و أعداؤک ثلاثة فأصدقاؤک: صدیقک و صدیق صدیقک و عدو عدوک و أعداؤک عدوک و عدو صدیقک و صدیق عدوک؛ دوستان تو سه کس‌اند و دشمنان تو نیز سه کس اما دوستان تو دوست تو و دوست دوست تو و دشمن دشمن توست و اما دشمنان تو دشمن تو و دشمن دوست تو و دوست دشمن تو.»

و در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: و لکن احذر کل الحذر من عدوک بعد صلحه فان العدو ربما قارب لیتغفل حتی بعد از صلح از خدعه دشمن برحذر باش زیرا دشمن گاهی به شما نزدیک می‌شود تا شما را غافلگیر کند.

آقای رئیس‌جمهور شما بر این اساس و آموزه‌های نهج‌البلاغه که فرمودید حافظ و انشاء الله عامل آن باشید وفاق ملی را برای ما و وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی معنی و تبیین کنید و جماعتی را از سر در گمی خارج کنید.

والسلام

سابقه‌ای که با پاک‌کن وفاق هم پاک نشد!

صالح عبدی

با روی کار آمدن دولت چهاردهم یکی از اصلی‌ترین انتقادها به این دولت، انتصاب‌های مسئله دار و بعضاً شاز و عجیب آن بود.

در این بین شاید انتخاب معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیش از باقی انتصاب‌ها تعجب برانگیز شد. نادره رضایی علی‌رغم اینکه سوابق روشنی در حوزه فرهنگ و هنر نداشته و صرفا بر اساس روابط سیاسی به این سمت منصوب شده است. سوابقی که احتمالاً قرار بوده به واسطه پاک‌کن وفاق، پاک و نادیده گرفته شوند. فراموش نکرده‌ایم که بنا بود نادره رضایی در دولت حسن روحانی به عنوان مدیرکل اداره کار تعاون، کار و رفاه اجتماعی منصوب شود، اما به گزارش خبرگزاری آنا، وی به خاطر اینکه جزو امضاکنندگان نامه به باراک اوباما در حمایت از مجرمان سیاسی فتنه سال ۸۸ بود، این انتصاب اتفاق نیفتاد.

البته این پایان کار نادره رضایی نبود، به هر حال او از فعالین ستاد حسن روحانی بود. بعد از ملغی شدن انتصاب نادره رضایی در وزارت کار، وی به عنوان مشاور مدیرعامل ایران خودرو انتخاب می‌شود. مدیرعامل ایران خودرو بعد از مدتی دستگیر شد، اما بلافاصله رضایی سر از جمعیت هلال احمر درآورد و در سمت مشاور پیوندی رئیس جمعیت هلال احمر مشغول به کار و این بار هم پیوندی دستگیر شد. درواقع جریان اصلاحات تلاش کرد تا او را به هر شکل ممکن حفظ کند. در سوابق نادره رضایی مدیرعاملی شرکت تعامل اندیشان پویا نیز دیده می‌شود که در حوزه طرح و اجرای کلیه خدمات شهری، طبخ غذا جهت سرویس‌دهی به شرکت‌های دولتی و خصوصی و خدمات برگزاری کنفرانس‌ها، گردهمایی‌ها و سمینارها فعالیت می‌کرد.

خانم رضایی علی‌رغم این سوابق نامرتبط، در کمال تعجب مجدداً در دولت حسن روحانی به عنوان مدیر انتشارات علمی و فرهنگی (زیرمجموعه تأمین اجتماعی) منصوب شد!

احسان شاه‌قاسمی، پژوهشگر، نویسنده و مترجم، در یادداشتی با عنوان «بلایی که نادره رضایی بر سر انتشارات علمی و فرهنگی آورد» به ضربه‌ای که خانم رضایی به این انتشاراتی وارد کرد پرداخته است.

با وجود همه این سوابق تیره و تار و تمام انتقادها، خانم رضایی با امضای سیدعباس صالحی بر صندلی معاونت هنری تکیه زد. اما گویا قرار نبود چیزی تغییر کند. هر روز یک اتفاق عجیب همه را شوکه کرد.

شاید برای خیلی‌ها خبر برگزاری کنسرت‌پرستو احمدی با عنوان کنسرت فرضی به صورت نیمه برهنه در کاروانسرای دیر گچین ناراحت‌کننده بود، اما خبر رفتار نادره رضایی که با پسندیدن فیلم این خواننده هتاک به احکام اسلام، همه را حیرت‌زده کرد، اصطلاحاً ترند فضای مجازی شد. البته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این اتفاق را تکذیب کرد اما در ادامه، رفتارهای خانم رضایی ابهامات را درباره صلاحیت خود برای معاونت وزارتی که طبق وظایف‌اش ملزم به ترویج و اقامه احکام الهی، نشر و تقویت اخلاق اسلامی و فضائل انسانی برپایه دین مداری و همچنین ترویج فرهنگ و هنر اسلامی است، به اوج خود رساند.

هنجار شکنی مجدد در افتتاحیه دو سالانه سرامیک تهران که مستقیم زیر نظر معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد دوباره نادره رضایی را مجبور به عذر خواهی کرد. نحوه پوشش افتتاح‌کننده در کنار حاضرینی که عموما کشف حجاب کرده بودند در رسانه‌ها چرخید.

هم زمانی این اتفاقات با هدایت‌های جریان فعال معاند در حوزه برهنگی زنان خودش جای تامل دارد که چرا باید امتداد اهداف جریان معاند سر از معاونت یک وزارتخانه در بیاورد!

با این همه ممکن است برخی این موارد را تصادفی و از روی بی‌اطلاعی خانم رضایی بدانند. اما زمانی ماجرا وخیم‌تر می‌شود که سری به صفحه مجازی نادره رضایی بزنید و کسانی که توسط خانم رضایی دنبال شده‌اند را ببینید، همچنین پسندهای ایشان را!

آن‌طور که به نظر می‌آید پاک‌کن وفاق نه تنها نتوانسته سابقه نادره رضایی را پاک کند که چرک هم پس داده است. کارنامه همین چند ماه گواه این موضوع است.

گنجینه‌های معنوی

آشنایی با اشیای موزه حرم امام رضا (علیه‌السلام)

پنجره فولاد زرکوب

بخش پنجم — **مریم عرفانیان**

این پنجره زیبا با ابعاد ۱۰۰ در ۱۲۶ سانتی‌متر و شماره اموال ۲۳، از جنس فولاد ساخته شده.

پنجره شامل یک چهارچوب و دو لت هست که با میله‌های فولادی به‌خوبی شبکه‌بندی شده. بر روی صفحات بالا و پایین دو لت پنجره، کتیبه‌ای به خط نسخ برجسته نوشته شده که نام سفارش‌دهنده و سازندگان را به زیبایی نشان می‌ده. متن این کتیبه به ما می‌گوید که این پنجره فولادی در تاریخ ۸۱۷ ق به سفارش شاهرخ تیموری، حاکم وقت خراسان، ساخته و وقف شده. کتیبه وقف به این شکل هست: «امر بعماره هذه البنجره من خاص ماله السلطان الاعظم مالک الرقاب الامم معز دنیا و دین شاهرخ بهادر خلدلله ملکه».

در کتیبه پایین زیر دو لت، نام سازندگان به این صورت آمده: «اعز المولانا السلطان الاعظم الامم مالک رقاب الامم السلطان سلاطین العرب و العجم تمت فی شهور محرم من سنه سبع عشر و ثمانمائه عمل استاد شیخ علی خودگر بخارائی عمل استادان کوفتگر مولانا شمس طبسی و استاد محمود کوفتگر و استاد سعادت و باشراف خواجه حسین زاهد». همچنین در دو کتیبه دیگر که در پایین لت سمت راست قرار دارند، نام «حاجی محمد بن علی حافظ اسفرینی» و تاریخ اتمام ساخت آن در «محرم سال ۸۱۷ ق» ذکر شده.

جالب است بدانید که بر اساس کتیبه‌ای که روی یک قطعه فلز در پایین در نصب شده، این پنجره در سال ۹۸۴ ق با حمایت مالی «محمد بیگ موصلو ترکمان» مرمت شده و خط آن را «حسن رضا بن حاجی محمود الخادم» نوشته است. دور تا دور دو لت پنجره، درود و صلوات بر پیامبر و امامان معصوم (ع) به خط نسخ طلاکوب شده و در فواصل آن‌ها عبارت «القدره لله» تکرار شده که متأسفانه بر اثر مرور زمان، آثاری از آن باقی‌مانده.

این پنجره نه تنها یک اثر هنری زیباست، بلکه داستانی از تاریخ و فرهنگ غنی ما را نیز روایت می‌کنه.

نور کاظم

کوچه های کاظمین، در غروب غم بار تو به بند کشیده شد.
چمن از گل، شَجر از چلچِله، می نالید.
ابرها در پرتو هفتمین ستاره به سامان نرسیده ناله سر می دادند.
هیهات...!
هیهات از قابلیان.
نور کاظم در مُحاق زندان خاموش شد.
قسم به صبر.
قلب شیعه سوخت.
بریده باد دستی که سَم جفا به خُوردت داد، ای وارسته‌ترین مخلوق عالم.
در تاریکی اسارت، ماه را به شیون کشاندی.
دیوارها را به ندبه وا داشتی
و جلال و جبروت را به حیرت.

مینا منجم‌زاده